

دست برتر ایران و روایت وارونه غربگرایان

اکنون تحولات به گونه‌ای رقم خورده است که ایران و محور مقاومت، در مقابل آمریکا و متحدانش، دست برتر را دارند. در این شرایط آمریکا به شدت نیازمند روکردن یک برگ برنده برای خود است و «مذاکره با ایران» دقیقا همان چیزی است که برای واشنگتن حکم «امتیاز ویژه و طلایی» را دارد.

به گزارش سایت خبری پرسون، مسعود اکبری در یادداشتی نوشت: وقتی هر روز صبح نگاهی به صفحات اول روزنامه‌های مدعی اصلاحات می‌اندازیم و یا اظهارات برخی مدعیان اصلاحات را مرور می‌کنیم، به وضوح ردپای عملیات روانی دشمن را در برخی از این روزنامه‌ها و اظهارنظرها می‌بینیم. به این نمونه‌ها توجه کنید:

۱- روز گذشته روزنامه اعتماد در مطلبی با عنوان «مدیریت تنش‌های اخیر و چند پرسش» نوشت: «به نظر می‌رسد پس از تنش اخیر با اسرائیل و مخالفت آمریکا با افزایش تنش، بیش از چند سال اخیر زمان برای آغاز گفت‌وگوهای مستقیم میان ایران و آمریکا مساعد شده است.

هر دو کشور از تشدید تنش‌ها در خاورمیانه راضی نیستند. همین کافی است تا پایه‌ای برای آغاز دور تازه‌ای از تعامل باشد. آیا می‌توان امیدوار بود که در پس تنش‌های اخیر شاهد نوعی تجدیدنظر در روش‌ها بود و در نتیجه گفت‌وگوی غیرمستقیم و سپس مستقیم ایران و آمریکا وارد سرفصل تازه‌ای شود؟»

این روزنامه زنجیره‌ای در ادامه نوشت: «بنا بر برداشتی که از رویدادهای اخیر می‌توان داشت، تنش بیشتر مضر است. کاهش تنش هم نیاز منطقه است، بنابراین در این شرایط برای پیشبرد اهداف بزرگ‌تر به چیزی نیاز است؟ پاسخ مشخص است تقویت دیپلماسی برای آغاز گفت‌وگوی ایران با آمریکا.»

۲- در روزهای گذشته روزنامه هم میهن در مطلبی با عنوان «زمان چیدن میوه پاسخ نظامی ایران» نوشت: «جنگ هیچ‌گاه هدف و غایت نیست. وقت آن رسیده است که ایران میوه اقدام نظامی و دفاع مشروع خود را بچیند. تنها راه رسیدن به این منافع، از طریق مذاکره است. ایران باید نشان بدهد که بعد از اقدام به دفاع مشروع، آماده مذاکره با کشورهای حامی اسرائیل و به ویژه آمریکا است. اگر ما از حجم ادبیات گزنده و بی‌اثر خود نسبت به آمریکا و غرب کاهش دهیم و به سمت مذاکره برویم، آمریکایی‌ها هم مشتاق مذاکره هستند.»

این روزنامه زنجیره‌ای در ادامه نوشت: «ما باید بتوانیم از یک اقدام نظامی مشروع، یک دستاورد سیاسی ایجاد کنیم. اگر ما مدعی هستیم که غربی‌ها فهمیده‌اند قدرت ما چه اندازه است، آمادگی ما در چه حدی است، تا چه حد توان آتش و پاسخگویی و بازدارندگی داریم، به‌جای اینکه به سمتی برویم که باعث جنگ شود تا توانمندی‌های ما مصروف شود، باید از شمشیر در نیام برای گرفتن امتیاز از غربی‌ها استفاده کنیم.»

۳- سخنگوی دولت اصلاحات چندی پیش در توییتری نوشت: «حالا که مجامع حقوقی و سازمان‌های بین‌المللی اسرائیل را به خاطر حمله به کنسولگری ایران تحت فشار قرار داده‌اند و آمریکا ایران را به خویشتنداری دعوت کرده، مذاکره مستقیم با آمریکا را شروع کرده و ما به ازای خویشتنداری را طلب کنید. فرصت‌ها چون ابر بهاری در گذر هستند.»

۴- روزنامه شرق اخیرا در مطلبی با عنوان «احیای برجام در میانه بحران؟» نوشت: «در حالی که با توجه به تحولات منطقه‌ای و جهانی، احتمال احیای برجام کم‌رنگ‌تر از هر زمان دیگری است، اخیرا نشریه انگلیسی آی خبر داد که کاخ سفید در حال بررسی توافق هسته‌ای جدید با ایران در ازای لغو برخی تحریم‌های اقتصادی علیه تهران است تا از یک جنگ تمام عیار در منطقه جلوگیری کند. این منبع بدون ذکر نامش، فاش کرد که یک دیدگاه در داخل دولت این است که رئیس‌جمهور فرصتی را برای آغاز مذاکرات دیپلماتیک برای احیای مجدد توافق هسته‌ای ایران می‌بیند.»

این روزنامه زنجیره‌ای در ادامه مدعی شد: «گفت‌وگوهایی هم درباره احیای برجام با جانشین رابرت مالی صورت گرفته است که نشان می‌دهد اکنون مذاکرات برجامی... در حال پیگیری است.»

اکنون تحولات به گونه‌ای رقم خورده است که ایران و محور مقاومت، در مقابل آمریکا و متحدانش، دست برتر را دارند. در این شرایط آمریکا به شدت نیازمند روکردن یک برگ برنده برای خود است و «مذاکره با ایران» دقیقا همان چیزی است که برای واشنگتن حکم «امتیاز ویژه و طلایی» را دارد.

یک سؤال: آیا مذاکره با آمریکا، برای ایران نیز حکم «امتیاز» و «برگ برنده» را دارد؟ پاسخ قطعا منفی است. تجربه ثابت کرده است که آمریکا در مذاکره، به دنبال نتیجه‌ای است که از طریق «جنگ» یا «تحریم» به دنبال آن بوده و چون نتوانسته از آن طرق، به نتیجه مطلوب خود دست یابد، راه سوم که همان مذاکره است را انتخاب کرده است.

نشان به آن نشان که در دولت قبل، به واسطه مذاکرات هسته‌ای و امضای برجام، همزمان هم در قلب راکتور هسته‌ای بتن ریخته شد و هم تحریم‌ها دو برابر شد.

«وندی شرم» دیپلمات ارشد آمریکایی و از اعضای تیم مذاکره‌کننده آمریکا- مرداد ۱۳۹۷- در مقاله‌ای در نشریه فارن افرز نوشت: «کاری که برجام با برنامه هسته‌ای ایران کرد، جنگ هم نمی‌توانست انجام دهد.»

شرمن در بخش دیگری از این مقاله نوشته بود: «زمانی که گفت‌وگوهای چندجانبه سال ۲۰۱۳ از سر گرفته شد، چندین سال از وضع تحریم‌های شدید علیه تهران می‌گذشت؛ اما با وجود همه این تحریم‌ها، ایران تعداد سانتریفیوژهای خود را به ۱۹ هزار رسانده بود. تحریم‌ها ممکن است به اقتصاد ایران آسیب رسانده باشد، اما آنچنان تاثیری در برنامه هسته‌ای این کشور نداشت.»

پیش از آن نیز مقامات آمریکایی از جمله «باراک اوباما» رئیس‌جمهور اسبق این کشور صراحتاً گفته بود که با غلاف اسلحه و بدون شلیک حتی یک گلوله، صنعت هسته‌ای ایران را از کار انداختیم.

افراطیون مدعی اصلاحات در حالی پالس مذاکره مستقیم با آمریکا را ارسال می‌کنند که حتی متحدان آمریکا نیز به خسارت بار بودن نزدیکی با آمریکا اعتراف کرده‌اند. به عنوان نمونه چندی پیش «امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه در مصاحبه با خبرنگاران گفته بود: «اروپا باید در برابر فشار برای تبدیل شدن به «دنباله‌روهای آمریکا» مقاومت کند... اروپا باید وابستگی خود به آمریکا را کاهش دهد... اروپا باید وابستگی خود به «فراسرزمینی بودن دلار آمریکا» را نیز کاهش دهد.»

«جانت یلن» وزیر خزانه‌داری آمریکا چندی پیش در نشستی در کمیته امور مالی مجلس نمایندگان آمریکا اعتراف کرد که استفاده از دلار در دنیا

رو به کاهش است و تحریم‌ها علیه ایران، حتی متحدان آمریکا را به فکر استفاده از ارزهای جایگزین در مبادلات جهانی انداخته است.

روزنامه «فایننشال تایمز» نیز چندی پیش در مطلبی نوشت: «سیاست‌های آمریکا برای مقابله با تهران شکست خورده است... تداوم پیشرفت‌های هسته‌ای ایران در کنار افزایش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی، از نشانه‌های شکست سیاست‌های غرب در قبال ایران است.» هفته‌نامه اکونومیست نیز پیش از این در تحلیلی با اشاره به رویارویی ایران و آمریکا نوشته بود: «در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران دست بالا را دارد.»

حال سؤال اینجاست که چرا افراطیون مدعی اصلاحات، اصرار دارند که نقش «بلندگوهای دشمن در ایران» را ایفا کنند و برای بهره‌مندی آمریکا از امتیازات بیشتر، از یکدیگر سبقت می‌گیرند؟!

هر وقت از پادوها و دنباله‌های دشمن در داخل کشور صحبت می‌شود، رسانه‌ها و فعالین مدعی اصلاحات به خط شده و به گویندگان این واقعیت، برچسب «متوهم» و «خیال‌پرداز» می‌زنند. این فرافکنی و فرار به جلو در حالی است که در کارنامه طیف تندرو مدعی اصلاحات، مستندات متعددی در این خصوص وجود دارد.

از «علی‌اصغر رمضانپور» معاون فرهنگی وزیر ارشاد در دولت اصلاحات- و سردبیر فعلی شبکه تروریستی و ضدایرانی «اینترنشنال» تا «حسین باستانی» از نزدیکان خاتمی و خبرنگار فراری منتسب به طیف مدعی اصلاحات. وی هر روز صبح تا قبل از ساعت هفت و نیم، بولتنی برای مطالعه رئیس دولت اصلاحات آماده می‌کرد. بولتنی که به مرور برای هیئت دولت، رئیس‌مجلس و سایر چهره‌های کلیدی اصلاحات هم فرستاده می‌شد.

و از «مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا» از فعالین رسانه‌ای جریان مدعی اصلاحات و از متهمین اصلی پرونده ۶/۶ میلیارد یورویی پتروشیمی و متهم به مشارکت اخلاقی در نظام اقتصادی کشور و تحصیل مال نامشروع به مبلغ هفت میلیون دلار که سال ۹۶ از کشور متواری شد، تا کاملیا انتخابی‌فرد و مجتبی واحدی و فریبا داوودی مهاجر و رکسانا صابری و نفیسه کوهنورد و فرناز قاضی‌زاده و اکبر گنجی و ابراهیم نبوی و فرشته قاضی و رضا حقیقت‌نژاد و نیک‌آهنگ کوثر و مانا نیستانی و امید معماریان و هوشنگ اسدی و نوشابه امیری و محمد مساعد و جمشید برزگر و اردشیر امیرارجمند و نیما راشدان و...

اینها کسانی هستند که با قلم‌فروشی و وطن‌فروشی در خدمت سرویس‌های جاسوسی غربی بودند و پس از آن نقاب از چهره برداشته و از کشور متواری شده و در دامن اربابان خود مشغول پادویی و مزدوری شدند.

ما در قریب به سه سال اخیر شاهد هستیم که «دیپلماسی پویا و فعال منطقه‌ای و جهانی» جای «دیپلماسی انفعالی» را گرفته و این تغییر ریل گذاری، دستاوردهای بزرگی را در پی داشته است.

بهتر است افراطیون مدعی اصلاحات، این اظهارنظر وزیر امور خارجه دولت قبل را که در پایان کار دولت مدعی تدبیر و امید گفته بود، آویزه گوش خود کنند. وی گفته بود: «با خوش‌خیالی، دوستان دوران سختی را در سراب طمع سرازیر شدن شرکت‌های غربی از خود رنجاندیم. اتفاقی که اگر نمی‌افتاد نه دوستان دوران سختی رهایمان می‌کردند و نه با فشار حداکثری ترامپ مواجه می‌شدیم.»